

نقش اشتغال در توسعه شهرهای جدید انگلستان

خلاصه

به طور کلی سیاست احداث سکونتگاه‌های جدید شهری، از قرن نوزدهم و در کشور انگلستان آغاز شد. در حقیقت توسعه شهرهای جدید، یکی از سیاست‌های تمرکززدایی جمعیت و اشتغال در بریتانیا بود. هدف از توسعه این شهرها جذب جمعیت اضافی شهرهای بزرگ بود. به علاوه این شهرها نقشی منطقه‌ای برای توسعه مناطق عقب مانده ایفا کردند.

مطالعه سیاست شهرهای جدید در بریتانیا می‌تواند تجربه‌ای مفید برای مدیریت تغییرات در جمعیت و اشتغال در شهرهای جدید ایران باشد. مطالعه شهرهای جدید در ایران بیانگر آن است که آن‌ها به اهداف جمعیتی‌شان نرسیده‌اند. بدین منظور نقش گسترش فرصت‌های شغلی در شهرهای جدید انگلستان مورد مطالعه قرار گرفت.

شهرهای جدید بریتانیا به طور کلی توسط دولت مرکزی به وجود آمده‌اند. این شهرها با هدف به وجود آمده‌اند و ویژگی‌هایی داشتند. این ویژگی‌ها، در توسعه شهرهای یاد شده نقش مهمی ایفا کرده‌اند. به منظور رسیدن به اهداف این تحقیق، روش محاسبات بازار نیروی کار مورد استفاده قرار گرفته است. با این روش روابط متقابل بین تغییرات در فرصت‌های شغلی (تقاضای نیروی کار) و تغییرات در عرضه نیروی کار مطالعه می‌شود.

نتایج محاسبات بازار نیروی کار در شهرهای جدید انگلستان نشان می‌دهد که مهاجرت به این شهرها با ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرهای مذکور ارتباط دارد. البته نتایج نشان می‌دهد که سه گروه عمده شهرهای جدید انگلستان که در مراحل متفاوتی از توسعه خود قرار دادند، شرایط اقتصادی متفاوتی دارند. این شرایط اقتصادی در بازار کار این شهرها بازتاب یافته است.

مقدمه

در قرن گذشته ایجاد شهرهای جدید به عنوان یکی از راه‌های اساسی مسئله توزیع نامتعادل صنایع، مساکن و منابع در نظر گرفته شده است. بسیاری از محققان از قبیل آزرین و واتیک [۱]، گلنی [۲]، آلدريج [۳]، و ن‌دن برگ و دیگران [۴] شهرهای جدید را به عنوان کوششی مهم برای تمرکززدایی جمعیت و صنایع در نظر گرفته‌اند. اهداف اصلی پیشگامان احداث

شهرهای جدید کاهش تمرکز جمعیت و مشاغل در شهرهای بزرگ بوده است. لذا کنترل مکان مشاغل، عامل مهم و کلیدی توزیع مجدد جمعیت در بریتانیا بوده است. از این رو شهرهای جدید به عنوان جوامعی با طراحی خوب، که برای تأمین مسکن، ایجاد فرصت‌های شغلی با امکانات آموزشی و فرهنگی طراحی شده، در نظر گرفته شده‌اند.

سیاست احداث شهرهای جدید در بریتانیا با موفقیت‌هایی همراه بود لذا مورد توجه برنامه‌ریزان شهری در بسیاری از کشورها از جمله ایران قرار گرفت. اگر چه فکر و حرکت ایجاد شهرهای جدید در ایران سابقه‌ای قابل توجه در قالب ایجاد شهرک‌های مسکونی، شهرک‌های مجاور مجموعه‌ها و نواحی صنعتی و شهرک‌های شرکتی دارد، اما طرح آن به عنوان یک حرکت اساسی در نظام شهرنشینی کشور عمدتاً در جهت تعادل بخشی جمعیت در محدوده کلان شهرها، مراکز عمده جمعیتی و نیز پاسخگویی به نیاز مسکن گروه‌های کم درآمد و میان درآمد، از نیمه دوم ۱۳۶۰ آغاز گردید، و عمدتاً الگوی سیاست احداث شهرهای جدید در بریتانیا مورد استفاده و توجه قرار گرفت.

نگاهی به سیاست احداث شهرهای جدید در ایران بیانگر آن است که این شهرها به اهداف جمعیتی و اقتصادی خود نرسیده‌اند. مطالعه عملکرد شهرهای جدید در مجموعه شهری تهران [۵] نشان می‌دهد که شهرهای جدید لاقلاً تاکنون نتوانسته‌اند در پاسخگویی به مسکن اضافه جمعیت و نیز سامان‌دهی توسعه کالبدی مجموعه حتی اهداف تعیین شده موفق باشند. به منظور ریشه‌یابی عدم موفقیت شهرهای جدید در ایران و یافتن علت‌های آن، سیاست و عملکرد شهرهای جدید در انگلیس مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه نقش ایجاد فرصت‌های شغلی در گسترش و توسعه شهرهای جدید انگلستان مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است.

یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای جدید در بریتانیا خودکفا بودن آن‌هاست. هدف اصلی پیشگامان توسعه شهرهای جدید در انگلیس، ایجاد یک محیط مناسب برای زندگی و کار برای ساکنان این شهرها بوده است.

هدف خودکفا بودن^۱ معمولاً وجود تعادل بین تعداد جمعیت و تعداد مشاغل در این شهرها تعریف شده است. از این رو ایجاد فرصت‌های شغلی، نقش مهمی در جذب جمعیت و فرایند توسعه شهرهای جدید در این کشور داشته است. در این مقاله ابتدا سیاست احداث شهرهای جدید در انگلستان توضیح داده شده و سپس نقش اشتغال و فرصت‌های شغلی در توسعه شهرهای جدید این کشور تحلیل شده است. برای تحلیل بنیه اقتصادی شهرهای جدید انگلستان و ارتباط

بین عوامل اقتصادی و اجتماعی در توسعه این شهرها، روش محاسبات بازار نیروی کار^۲ مورد استفاده قرار گرفته است. با این روش ارتباط متقابل بین تغییرات در اشتغال (تقاضای کار^۳) و تغییرات در اندازه نیروی کار^۴ با بیکاری و حرکات جمعیتی (عرضه کار^۵) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هدف اصلی این روش محاسبه کمبود کار^۶ در این شهرهاست. کمبود کار به عنوان یکی از شاخص‌های عدم تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار نیروی کار به حساب می‌آید.

در این مقاله ابتدا نحوه محاسبه مؤلفه‌های بازار نیروی کار توضیح داده شده و سپس به تحلیل نتایج محاسبات مذکور پرداخته شده است.

برنامه‌ریزی شهرهای جدید در انگلستان

به طور کلی پذیرفته شده است که برنامه‌ریزی شهرهای جدید انگلستان از قرن ۱۹ و با صنعتی شدن این کشور آغاز شده است. جمعیت انگلستان در نتیجه فرایند صنعتی شدن رشدی قابل ملاحظه یافت. بین سال‌های ۱۹۰۱-۱۸۰۱ جمعیت انگلستان و ولز از ۸/۹ میلیون نفر به ۳۲/۵ میلیون نفر افزایش یافت. نکته مهم این جاست که در سال ۱۸۵۱ بیش از نیمی از جمعیت شهرها را مهاجران تشکیل می‌دادند. همزمان کارخانه‌ها به منظور بهره‌جویی از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید، در شهرهای بزرگ متمرکز شدند. در این فرایند شهرها محل تمرکز جمعیت، فقر، جرایم و بیماری‌ها شدند. برای بهبود شرایط زندگی طبقه کارگر در انگلستان کوشش‌های بسیار انجام گرفت. به عنوان مثال می‌توان از سالت در سالتیر در سال ۱۸۵۳، لور در پورت سان لایت در سال ۱۸۸۳ و کادبری در برن ویل^۷ در سال ۱۸۷۸ نام برد.

یکی از مهم‌ترین متفکران در زمینه مسائل شهری در بریتانیا ابنز هوارد^۸ بود. هوارد در سال ۱۸۹۸ طرح ایجاد یک باغشهر^۹ را پیشنهاد کرد^[۶]. وی اولین باغشهر را به نام لچ ورث در سال ۱۹۰۳ و دومین باغشهر را به نام ویلن گاردن سیتی در سال ۱۹۲۰ تاسیس کرد^[۷]. باغشهرها، و در شکل جدید آن‌ها شهرهای جدید^{۱۱} تأثیر مهمی در برنامه‌ریزی شهری بریتانیا داشت.

-
- 2- Labour market accounts
 - 3- Demand of labour
 - 4- Size of labour
 - 5- Supply of labour force
 - 6- Job-Shortfall
 - 7- Salt at Saltaire, Lever at Port Sunlight, Cadbury at Boumville
 - 8- Ebenezer Howard
 - 9- Garden city
 - 10- New Town

سیاست برنامه‌ریزی منطقه‌ای و احداث شهرهای جدید در انگلستان

از دهه ۱۹۲۰ دولت انگلستان با به کارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌های منطقه‌ای کوشیده است تا اختلاف بین مناطق این کشور کاهش یابد. در دهه ۱۹۲۰ شمال و غرب بریتانیا رشد قابل ملاحظه‌ای را در سطح بیکاری و فقر تجربه کرده است. برخلاف آن لندن و جنوب غربی این کشور به علت شکوفایی اقتصادی، سطح بیکاری پائین بود. به این دلیل بین سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۱۹، جمعیت لندن در حدود دو میلیون نفر افزایش یافت. علت اصلی رشد سریع این شهر، منطقه در حال افت شمال انگلستان و منطقه ولز جنوبی^{۱۱} بود.

به منظور حل مشکل رشد بی رویه لندن و بررسی مسئله نحوه توزیع جمعیت و صنعت در انگلستان، دولت این کشور کمیسیون بارلو^{۱۲} را تشکیل داد. درحقیقت سیاست برنامه‌ریزی منطقه‌ای پس از جنگ بریتانیا مبتنی بر گزارش بارلو بود [۸]. کمیسیون مذکور گزارش داد که توسعه باغشهرها و شهرهای جدید می‌تواند کمک قابل توجهی به حل مسئله تمرکز شهری بکند [۹]. یکی از توصیه‌های مهم این کمیسیون، تأسیس وزارت برنامه‌ریزی شهری و روستایی بود. تمرکز اصلی این وزارتخانه حل مسائل لندن بود [۱۰]. پس از تأسیس وزارتخانه جدید در سال ۱۹۴۲ از پرفسور پاتریک ابرکرومبی^{۱۳} به عنوان یکی از اعضای کمیسیون بارلو خواسته شد تا طرحی برای حل مشکلات لندن تهیه کند. بر طبق پیشنهاد ابرکرومبی [۱۱]، لندن به چهار حلقه داخلی، حومه، کمربند سبز و حلقه بیرونی^{۱۴} تقسیم می‌شد. او جابه‌جایی یک میلیون نفر از جمعیت لندن را پیشنهاد کرد. پیشنهاد او انتقال دادن ۳۸۳۰۰۰ نفر به هشت یا ده شهر جدید اقماری در بیرون از کمربند سبز بود.

دولت انگلستان از سال ۱۹۶۱ مجموعه‌ای از مطالعات منطقه‌ای را آغاز نمود. در مطالعه منطقه جنوب شرقی کشور که در سال ۱۹۶۴ صورت گرفت، پیش بینی شد که در سال‌های ۸۱-۱۹۶۱ به ۳/۵ میلیون مسکن جدید نیاز است. لذا برای تأمین مسکن اضافی ایجاد نسل دوم شهرهای جدید انگلستان پیشنهاد گردید [۱۲]. برای اجتناب از مشکلات تراکم جمعیتی و رفت و آمد به لندن در گزارش مذکور پیشنهاد شد که گروه دوم شهرهای جدید در مقایسه با شهرهای جدید اطراف لندن، در فاصله بیشتری از لندن احداث شوند. و سرانجام برای جذب جمعیت سرریز شهرهای بزرگ و ایجاد رونق در فعالیت‌های اقتصادی در مناطق در حال رکود این کشور، گروه

11- North and South Wales

12- Barlow Commission

13- Professor Patrick Abercrombie

14- Inner , Suburban, Green Belt, Outer – Country

سوم شهرهای جدید احداث شدند. به طور کلی می توان گفت که تا نیمه دهه ۱۹۷۰ در حدود ۳۳ شهر جدید تأسیس شده است. [۱۳]

مشخصه‌های شهرهای جدید در بریتانیا

شهرهای سنتی با اجتماع گروهی از مردم و فعالیت‌های اقتصادی در یک مکان و با بعضی منافع مشترک بوجود می‌آیند. اگر زمینه توسعه سکونتگاه‌های جدید فراهم باشد این سکونتگاه‌ها رشد خواهند کرد تا به حدی که شهر نامیده شوند.

شهرهای جدید بریتانیا را حکومت مرکزی، برای ایجاد جوامع متعادل با امکانات شغلی، آموزشی، تفریحی و مسکن جدید به وجود آورده است. ویژگی‌های عمومی این شهرها را کمیته ریث^{۱۵} تعریف کرده است.



نقشه ۱ پراکندگی شهرهای جدید در بریتانیا [۱۴]

این کمیته که در سال ۱۹۴۵ تاسیس شده است اصول کلی این شهرها را پیشنهاد کرده است. بر اساس این اصول شهرهای جدید، جوامع خود کفا و متعادل تعریف شده‌اند [۱۵]. ویژگی خود کفا بودن برای شهرهای جدید توسط بسیاری از محققان نظیر کرسول و توماس [۱۶] و گلنی [۱۷] مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از مبانی فلسفی شهرهای جدید ابنزر هوارد خود کفا بودن این شهرها است.

هدف خود کفا بودن معمولاً تعادل میان تعداد مشاغل و تعداد ساکنان شهر تعریف شده است. از این رو می‌توان گفت که یکی از اهداف اصلی احداث شهرهای جدید ایجاد امکانات شغلی برای جذب جمعیت اضافی از شهرها و ایجاد تعادل بین جمعیت و اشتغال است.

روش محاسبات بازار نیروی کار^{۱۶}

همان طور که قبلاً ذکر شد برای تحلیل فرایند تغییرات جمعیت و اشتغال در شهرهای جدید انگلستان از روش محاسبات بازار نیروی کار استفاده شده است. با استفاده از این روش ما می‌توانیم روابط بین ایجاد فرصت‌های شغلی (تقاضای نیروی کار) و اندازه نیروی کار محل، نرخ مشارکت نیروی کار، مهاجرت، بیکاری و رفت و آمد^{۱۷} به این شهرها را نشان دهیم.

نکته مهم در این روش محاسبه کمبود شغل^{۱۸} است. پارامتر کمبود شغل می‌تواند وضعیت تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار در محدوده مورد مطالعه را نشان دهد. بدیهی است که عناصر ذکر شده تأثیرات جدی بر روی فرایند توسعه شهرها دارند.

در حقیقت ما می‌توانیم متغیرهای محاسبات بازار کار را به عنوان شاخص‌های تغییرات اقتصادی و جمعیتی در شهرهای جدید به کار گیریم. هرگونه تغییر در موقعیت اقتصادی و شرایط جمعیتی یک شهر در وضعیت بازار کار آن شهر منعکس می‌شود.

محاسبه مؤلفه‌های محاسبات بازار نیروی کار^{۱۹}

مؤلفه‌های اصلی در محاسبات بازار نیروی کار شامل جمعیت P؛ جمعیت در سن کار W؛ کل اشتغال E؛ کل افراد بیکار U؛ کل مهاجرت خالص به بیرون M، و کل رفت و آمد خالص به بیرون^{۲۰} C؛ می‌باشد [۱۸] ۱۹۸۹.

16- Labour market accounts methodology

17- Demand of labour, Size of labour force, Participation rate, Migration, Unemployment, Commuting

18- Job - Shortfall

19- Components of labour market accounts

20- Population, Working age population, Total employment, Total unemployment, Net out – migration, Net out – commuting

$$L = E + U + C \quad Y = L/W \quad X = W/P$$

L عبارتست از اندازه نیروی کار؛ Y نرخ مشارکت و X^{۲۱} نسبت جمعیت در سن کار

می باشد .

$$dL = L - L_{-1} + YXM$$

dL^{۲۲} تغییرات داخلی نیروی کار؛ این جا فرض شده است که نسبت جمعیت در سن کار و

نرخ مشارکت نیروی کار مهاجران مشابه کل جمعیت است.

$$dN = (W - W_{-1}) Y_{-1} + XMY_{-1}$$

dN^{۲۳} تغییرات طبیعی نیروی کار

$$dA = W (Y - Y_{-1}) + XM (Y - Y_{-1})$$

dA^{۲۴} تغییرات نرخ مشارکت نیروی کار

$$dS = dU + YXM + dC$$

dS^{۲۵} تغییرات خالص در کمبود شغل

مؤلفه مهاجرت به وسیله محاسبه تفاوت بین جمعیت موجود و جمعیت مورد انتظار برای هر

شهر جدید طی دو دهه محاسبه شده است. در حقیقت جمعیت مورد انتظار از جمعیت در سال پایه به علاوه موالید، منهای مرگ و میر در طی دوره زمانی خاص، به دست می آید.

مهاجرت به داخل بیانگر این است که شهر جدید مکان مناسبی برای زندگی و کار مهاجران

بوده است. مهاجرت به خارج بیانگر شرایط نامناسب برای ساکنان آن شهر می باشد.

مؤلفه تغییرات نرخ مشارکت نیروی کار نشان دهنده تغییرات در جمعیت فعال است. این

مؤلفه با تعداد کسانی که از نظر اقتصادی غیرفعال بوده اند و فعال شده اند یا کسانی که نیروی کار محلی را ترک کرده اند تغییر می کند.

عنصر اصلی در روش محاسبات بازار نیروی کار، کمبود شغل است و این از تغییرات در

اندازه نیروی کار منهای تغییرات در اشتغال محاسبه می شود. کمبود شغل در بازار کار به عنوان

شاخص عدم تعادل بین عرضه و تقاضای کار در شهر تفسیر می شود.

محاسبات بازار کار برای شهرهای جدید انگلستان

از نظر تاریخی در هر ناحیه، ارتباطی قوی بین رشد جمعیت و رشد اشتغال وجود دارد. عمق

و گستردگی این ارتباط به عواملی چون طول دوره زمانی مورد مطالعه، و اندازه ناحیه مذکور

بستگی می یابد. شهرهای جدید بریتانیا در زمان های مختلفی تأسیس شده اند. بر طبق یک

21- Size of labour force, Participation rate, Proportion of the population of working age

22- Internal change in the labour force

23- The natural increase in the labour force

24- Changes in participation rate.

25- Net change in employment shortfall.

طبقه‌بندی سنتی، این شهرها به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند. اولین گروه شهرهای جدیدی بودند که قبل از ۱۹۵۰ تأسیس شده‌اند. دومین گروه، شهرهای جدید ایجاد شده در طی نیمه اول دهه ۱۹۶۰ هستند و سرانجام گروه سوم شهرهای جدیدی هستند که در اواخر دهه ۱۹۶۰ تأسیس شده‌اند [۱۹]. به همین دلیل شهرهای جدید در مراحل مختلفی از چرخه حیات خویش می‌باشند لذا ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی متفاوتی دارند. بدیهی است این ویژگی‌ها عمدتاً در تغییرات بازار کار بازتاب می‌یابد.

به منظور توضیح تأثیرات ایجاد فرصت‌های شغلی بر روی مهاجرت و سرانجام توسعه شهرهای جدید بریتانیا، ابتدا یک تصویر عمومی از تغییرات بازار نیروی کار این شهرها، در طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ارائه می‌دهیم، سپس تأثیرات متقابل بین تغییرات در تقاضای نیروی کار (تغییرات در اشتغال) و عرضه نیروی کار به ویژه مهاجرت و در نهایت بر روی میزان بیکاری و کمبود شغل توضیح داده خواهد شد. با مقایسه سه نسل شهرهای جدید که در مراحل متفاوتی از توسعه خویش قرار دارند این تأثیرات متقابل را به طور مقایسه‌ای بررسی شده است. همچنین کوشش شده است تا اثرات نسبی مهاجرت و رفت و آمد در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار نشان داده شود.

محاسبات بازار کار در شهرهای جدید انگلستان ۸۱-۱۹۷۱

جدول ۱ نتایج محاسبات بازار نیروی کار برای این شهرها طی دهه ۱۹۷۰ را نشان می‌دهد. بر طبق این نتایج تمامی شهرهای جدید به استثنای چند شهر^{۲۶} رشد در اندازه نیروی کار محلی شان را تجربه کرده‌اند.

رشد نیروی کار عمدتاً با رشد طبیعی نیروی کار ارتباط دارد و واضح است که تغییرات منفی نرخ مشارکت نقش مهمی در تغییرات اندازه نیروی کار شهرهای جدید سنترال لانکاشایر و نیوتن^{۲۷} دارد.

در تمامی این شهرها میزان اشتغال تغییرات مثبتی داشته است. در پاسخ به افزایش فرصت‌های شغلی، مهاجرت قابل ملاحظه‌ای به این شهرها اتفاق افتاده است. محاسبات نشان می‌دهد که بیشترین رشد در کمبود شغل در شهرهای جدیدی ملاحظه می‌گردد که بین سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۴۷ ساخته شده‌اند (شهرهای جدید نسل اول)؛ برخلاف آن، سه شهر جدیدی که بین سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۵ ساخته شده‌اند (نیوتن، ملتون کینز و واشنگتن)^{۲۸} دارای بیشترین اضافه شغل

26- Central Lancashire, Corby, Hatfield and New town

27- Central Lancashire, New town

28- New town, Melton Keynes, Washington

می‌باشند. این شهرهای جدید رشدی قابل ملاحظه در فرصت‌های شغلی (تقاضای نیروی کار) را تجربه کرده‌اند (متوسط ۸۰٪) و واضح است که این رشد مشاغل تأثیر زیادی بر روی مهاجرت و عرضه نیروی کار داشته‌اند.

تغییرات خالص کمبود شغل در شهرهای جدید گروه‌های A_1 و A_2 منفی بوده و بیانگر اضافه شغل در این گروه شهرهای جدید است. اضافه شغل در گروه شهرهای جدید A در مهاجرت به این شهرها منعکس شده است، در حالی که رفت و آمد^{۲۹} بیرونی نیروی کار به اضافه شغل کمک کرده است. بر خلاف آن در گروه شهرهای جدید B تغییرات در کمبود شغل طی ۸۱-۱۹۷۱ مثبت بوده و بیانگر کمبود شغل است. این کمبود نشان می‌دهد که ایجاد مشاغل اضافی در این شهرها جوابگوی افزایش عرضه نیروی کار نبوده است. این کمبود شغل منجر به افزایش بیکاری، کاهش مهاجرت به داخل و افزایش رفت و آمد نیروی کار به بیرون شده است.

اشتغال و حرکات جمعیتی ۱۹۸۱-۱۹۷۱

هنگامی که در یک ناحیه تعدادی شغل ایجاد شود احتمال دارد تعداد پاسخ‌هایی بالقوه به لحاظ افزایش عرضه نیروی انسانی روی دهد: اول این که جمعیت ساکن در ناحیه مشاغل جدید را کسب نمایند، کسانی که از نظر اقتصادی جزء نیروی فعال جامعه محسوب می‌شوند ولیکن بیکار هستند و یا ممکن است کسانی که از نظر اقتصادی غیرفعال هستند وارد بازار کار شوند و مشاغل را بگیرند از این رو سبب افزایش نرخ مشارکت جمعیت در سن کار شوند. احتمال دوم این است که ایجاد مشاغل جدید سبب افزایش مهاجرت کارگران و نیروی کار جدید به این ناحیه شود. احتمال سوم این است که مشاغل جدید سبب افزایش رفت و آمد به سوی ناحیه شود.

[۲۰] جدول ۲ تغییرات بازار نیروی کار در شهرهای جدید را نشان می‌دهد که براساس تغییرات در اشتغال منظم شده‌اند نشان می‌دهد که ارتباطی بسیار قوی بین ایجاد اشتغال و مهاجرت وجود دارد. ساخت تمام شهرهای جدید در گروه C به استثنای براکنل^{۳۰}، پیش از دوره ۶۷-۱۹۶۱ بوده است. در این گروه شهرهای جدید میانگین تغییرات در اشتغال ۶۳ درصد می‌باشد در حالی که تغییرات در اندازه نیروی کار محلی ۲۱٪ بوده است. بر خلاف آن در گروه A ، شهرهای جدید دوره ۴۵-۱۹۴۷ (به استثنای وارینگتن و سنترال لانکاشایر^{۳۱}) به علت تفاوت بین ایجاد اشتغال و افزایش در اندازه نیروی کار محلی، کمبود شغل وجود داشته است. جدول ۲ نشان می‌دهد که در مورد شهرهای جدید نسل سوم که طی دهه ۸۱-۱۹۷۱ در اولین دهه توسعه خود بوده‌اند ارتباطی

29- Out – commuting

30- Bracknel

31- Warrington, Central Lancashire

بسیار قوی بین اشتغال و مهاجرت وجود دارد. این جدول نشان می‌دهد که شهرهای جدید گروه C با ۶۳ درصد افزایش در تعداد مشاغل، ۶۷ درصد افزایش مهاجرت داشته است.

رفت و آمد و مهاجرت^{۳۲} در شهرهای جدید ۸۱-۱۹۷۱

برای درک ارتباط بین مهاجرت و رفت و آمد به این شهرها اجازه دهید فردی را تصور کنیم که شغلی جدید را در مکان جدید انتخاب می‌کند در حالی که فرد مذکور در مکان قبلی اش سکونت دارد. در این صورت فرد مذکور از دو طریق می‌تواند مشکل جدایی بین محل کار و محل زندگی اش را حل کند. او می‌تواند به محل کار جدیدش مهاجرت کند یا روزانه رفت و آمد کند. در این صورت مهاجرت و رفت و آمد می‌توانند جانشین هم شوند.

از طرف دیگر فرد ممکن است محل زندگی اش را تغییر دهد و در همان حال محل کار خود را حفظ کند. این فرد دوباره با مشکل جدایی محل کار و محل زندگی روبرو خواهد شد. در چنین شرایطی معمولاً فرد از طریق رفت و آمد بر مشکل فایق می‌شود.

هنگامی که اثرات تغییرات در اشتغال در بروی رفت و آمد و مهاجرت را با هم مقایسه می‌کنیم در مورد شهرهای جدید گروه C مشاهده می‌کنیم با ۶۳ درصد افزایش در تعداد مشاغل، ۵ درصد رفت و آمد به بیرون وجود دارد، در حالی که ۶۷ درصد مهاجرت به داخل وجود دارد. پس می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که اکثر مهاجرت‌ها به این شهرها به منظور ایجاد مشاغل جدید صورت گرفته‌اند.

اشتغال و حرکات جمعیتی در شهرهای جدید انگلستان ۱۹۹۱-۱۹۸۱

بر اساس میزان تغییرات در اشتغال، در شهرهای جدید بین سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۱، می‌توان شهرهای جدید بریتانیا را به سه گروه عمده تقسیم کرد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود اکثر شهرهای جدید در گروه C رشد قابل ملاحظه‌ای در تعداد مشاغل داشته‌اند (میانگین ۲۲/۸ درصد). برخلاف آن تغییرات مشاغل در شهرهای جدید نسل اول (گروه A) ناچیز بوده و حتی رشد منفی داشته است. شهرهای جدید در گروه C در دهه دوم توسعه خود قرار دارند لذا تعداد مشاغل و در نتیجه مهاجرت به این شهرها افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. برخلاف آن‌ها شهرهای جدید در گروه A در دهه سوم توسعه خود هستند مهاجرت به خارج از این شهرها را تجربه کرده‌اند. این امر به دلیل ضعف بنیه اقتصادی آن‌ها و کاهش تعداد مشاغل در این شهرهاست.

از نظر اثرات رشد تعداد مشاغل بر روی نرخ مشارکت نیروی کار محلی و نرخ مهاجرت خالص، بارتیک [۲۱] نتایج مطالعات متنوعی را خلاصه کرده است. بارتیک براساس این مطالعات نتیجه گرفته است که در کوتاه مدت بین ۳۰ تا ۵۰ درصد مشاغل جدید توسط مهاجران وارد شده به شهر اشغال شده‌اند.

در مورد شهرهای جدید، نتایج محاسبات بازار نیروی کار نشان می‌دهد که اثرات ایجاد فرصت‌های شغلی بر روی مهاجرت و نرخ مشارکت نیروی کار محلی، در مراحل مختلف توسعه شهرهای جدید متفاوت است.

جدول ۳ نشان می‌دهد که در شهرهای جدید در گروه C مشاغل جدید در طی دهه ۱۹۸۰ ابتدا نرخ مشارکت نیروی کار را افزایش داده است (۸/۷ درصد) و سپس بر روی مهاجرت به این شهرها تأثیر گذاشته است (۸ درصد). در حالی که در دهه ۱۹۷۰ که در جدول ۲ نشان داده شده، ایجاد مشاغل جدید در شهرهای گروه C ابتدا مهاجرت را و سپس نرخ مشارکت نیروی کار را افزایش می‌دهد.

این بدین معناست که در طی دهه ۸۱-۱۹۷۱، اکثریت مشاغل جدید توسط مهاجران اشغال شده‌اند. برخلاف آن در دهه ۱۹۹۱-۱۹۸۱، مشاغل جدید عمدتاً نرخ مشارکت نیروی کار را افزایش داده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که ایجاد مشاغل جدید در مرحله اول توسعه شهرهای جدید، مهاجرت را افزایش داده است در حالی که در دهه دوم ایجاد مشاغل جدید نرخ مشارکت نیروی کار محلی را افزایش داده و اکثریت مشاغل توسط نیروی کار محلی اشغال شده است.

مقایسه اثرات افزایش یا کاهش تعداد مشاغل نشان می‌دهد کاهش تعداد مشاغل اثر بیشتری نسبت به افزایش تعداد مشاغل در شرایط عمومی اشتغال در شهر دارد. جدول ۳ نشان می‌دهد که با ۲۲/۸ درصد افزایش در اشتغال، نرخ مشارکت نیروی کار و مهاجرت به ترتیب فقط ۷/۸ درصد و ۶ درصد افزایش یافته است. در حالی که با ۳ درصد کاهش در تعداد مشاغل، نرخ مشارکت نیروی کار و مهاجرت به داخل به ترتیب ۵ درصد و ۶ درصد کاهش یافته است.

جدول ۱ محاسبات بازار نیروی کار در شهرهای جدید منظم شده بر اساس کمبود شغل ۱۹۷۱-۱۹۸۱

شهرهای جدید	سال تأسیس	dL	dN	dA	dE	DS	YXM	dU	dC
نیوتن	۱۹۶۷	-۲۳	۳	-۲۷	۴۲	-۵۵	-۴۱	۲۱	-۴۶
میلتون کینز	۱۹۶۷	۲۱	۱۵	۶	۱۰۸	-۳۸	-۱۰۲	۲۴	-۸۸
واشنگتن	۱۹۶۴	۲۹	۶	۲۳	۹۲	-۲۴	-۱۲۲	۲۳	۳۶
میانگین A _۱		۹	۸	۰/۶	۸۰	-۳۹	-۸۸	۲۳	-۳۲
کربی	۱۹۵۰	-۲۶	۱۲	-۳۹	-۱۲	-۲۰	۶	۱۳	-۳۳
رانکن	۱۹۶۴	۳۲	-۱	۳۴	۷۶	-۱۸	-۱۰۳	۲۸	۳۱
براکنل	۱۹۴۹	۳۷	۱۴	۲۲	۶۲	-۱۴	-۴۱	۶	۹
رددیچ	۱۹۶۴	۳۴	۱۲	۲۱	۶۰	-۱۲	-۶۸	۱۵	۲۶
پیتربرد	۱۹۶۷	۱۵	۱۶	-۱	۲۹	-۱۱	-۱۴	۱۳	-۱۴
نورث هامتون	۱۹۶۸	۳	۴	-۰/۷	۱۴	-۹	-۱۴	۸	-۴
اسکلرزدل	۱۹۶۱	۱۷	۱۴	۳	۲۹	-۶	-۴۲	۲۴	۶
هات فیلد	۱۹۴۸	-۳	۲	-۶	۲	-۶	۱	۱	-۹
ستترال	۱۹۷۰	-۳	۱	-۴	۲	-۵	-۴	۵	-۷
لانکاشایر	۱۹۶۸	۱۱	۶	۵	۱۵	-۲	-۲۳	۱۶	۳
میانگین A _۲		۱۱	۸	۳	۲۸	-۱۰	-۳۰	۱۳	۰/۸
وارینگتن	۱۹۶۸	۴	۰/۷	۳/۳	۲/۴	۱/۴	-۴/۹	۷/۶	-۸/۱
پیترلی	۱۹۴۸	۵	۱۲	-۷	-۰/۶	۵	-۳	۶	۲
همل همستد	۱۹۴۷	۱۴	۴	۹	۷	۵	-۶	۵	۸
کمیران	۱۹۴۹	۹	۶	۳	۰/۹	۷	-۲	۹	۱
استیونج	۱۹۴۶	۲۶	۱۴	۱۲	۱۴/۵	۹/۴	-۲/۶	۷/۶	۶/۴
ویلن	۱۹۴۸	۱۳	۳	۱۰	۱	۱۰	۱	۵	۶
هارلو	۱۹۴۷	۲۸	۱۶	۱۲	۵	۱۹	۹	۶	۶
ایکلیف	۱۹۴۷	۶۴	۵	۵۸	۲۴	۱۹	-۳۴	۲۳	۵۰
کرالی	۱۹۴۷	۳۷	۹	۲۸	۱۰	۲۰	۰/۳	۶	۲۰
میانگین B		۲۲/۷	۷/۷	۱۴/۲	۷/۱	۱۰/۶	-۴/۶	۸/۳	۱۰/۹

dN = تغییرات طبیعی نیروی کار
 dE = تغییرات در اشتغال
 dU = تغییر در بیکاری
 YXM = مهاجرت خالص به بیرون

dL = تغییرات داخلی نیروی کار
 dA = تغییرات در نرخ مشارکت
 DS = تغییرات خالص در کمبود شغل
 dC = تغییرات خالص در رفت و آمد به بیرون

جدول ۲ محاسبات بازار نیروی کار در شهرهای جدید منظم شده بر اساس تغییرات اشتغال ۱۹۸۱-۱۹۷۱

شهرهای جدید	سال تأسیس	dL	dN	dA	dE	dS	YXM	dU	dC
کریبی	۱۹۵۰	-۲۶	۱۳	-۳۹	-۱۳	-۲۰	۷	۱۳	-۳۳
پیترلی	۱۹۴۸	۵	۱۳	-۷	-۱	۵	-۴	۷	۳
کمرون	۱۹۴۹	۱۰	۶	۳	۱	۸	-۲	۱۰	۲
ویلن	۱۹۴۸	۱۴	۳	۱۲	۱	۱۱	۱	۵	۶
هات فیلد	۱۹۴۸	-۴	۳	-۷	۲	-۶	۲	۲	-۱۰
سنترال لانکاشایر	۱۹۷۰	-۳	۲	-۵	۲	-۶	-۴	۵	-۷
وارینگتن	۱۹۶۸	۴	۰/۷	۳/۲	۲/۴	۱/۴	-۴/۹	۷/۶	-۱/۱
هارلو	۱۹۴۷	۲۹	۱۷	۱۲	۶	۱۹	۱۰	۷	۷
همل هیستد	۱۹۴۷	۱۴	۵	۱۰	۷	۶	-۶	۵	۸
کرالی	۱۹۴۷	۳۸	۱۰	۲۸	۱۰	۲۰	۰/۳	۷	۲۱
میانگین A		۸/۱	۷/۱	۰/۹	۱/۹	۴/۱	-۰/۹	۶/۹	-۰/۵
استیونج	۱۹۴۶	۲۶	۱۴	۱۲	۱۴/۵	۹/۴	-۲/۶	۷/۶	۶/۴
نورث هامتون	۱۹۶۸	۴	۵	-۱	۱۵	-۹	-۱۵	۸	-۵
تلفورد	۱۹۶۸	۱۲	۷	۵	۱۵	-۳	-۲۴	۱۷	۳
ایکلیف	۱۹۴۷	۶۴	۵	۵۹	۲۵	۲۰	-۳۵	۲۴	۵۰
میانگین B		۲۶/۲	۷/۲	۱۹	۱۷/۸	۴/۳	-۱۸/۴	۱۳/۹	۱۳/۸
اسکلرزدل	۱۹۶۱	۱۸	۱۴	۳	۲۹	-۷	-۴۲	۲۵	۶
پیتربرو	۱۹۶۷	۱۵	۱۷	-۱	۳۰	-۱۱	-۱۴	۱۴	-۱۴
نیوتن	۱۹۶۷	-۲۴	۴	-۲۸	۴۲	-۵۶	-۴۱	۲۲	-۴۶
رددیج	۱۹۶۴	۳۴	۱۲	۲۲	۶۰	-۱۳	-۶۸	۱۶	۲۶
براکنل	۱۹۴۹	۳۷	۱۴	۲۳	۶۲	-۱۴	-۴۲	۶	۱۰
رانکن	۱۹۶۴	۳۳	-۱	۳۴	۷۷	-۱۹	-۱۰۴	۲۸	۳۲
واشینگتن	۱۹۶۴	۳۰	۷	۲۳	۹۲	-۲۵	-۱۲۳	۲۴	۳۶
میلتون کینز	۱۹۶۷	۲۲	۱۶	۶	۱۰۹	-۳۹	-۱۰۲	۲۴	-۸
میانگین C		۲۱	۱۰	۱۰	۶۳	-۲۳	-۶۷	۲۰	۵

dN = تغییرات طبیعی نیروی کار
 dE = تغییرات در اشتغال
 dU = تغییر در بیکاری
 YXM = مهاجرت خالص به بیرون

dL = تغییرات داخلی نیروی کار
 dA = تغییرات در نرخ مشارکت
 dS = تغییرات خالص در کمبود شغل
 dC = تغییرات خالص در رفت و آمد به بیرون

جدول ۳ محاسبات بازار نیروی کار منظم شده بر اساس تغییرات اشتغال در شهرهای جدید ۱۹۹۱ - ۱۹۸۱

دC	دU	YXM	دS	دE	دA	دN	دL	سال تأسیس	شهرهای جدید
-۱۸	۰/۵	۱۰	-۱۰	-۹	-۲۱	۳	-۱۷	۱۹۴۷	کرالی
۱	-۰/۴	۱۴	۱۶	-۸	۲	۴	۷	۱۹۴۷	هارلو
-۲۹	۰/۵	۳	-۳۹	-۷	-۲۹	-۳	-۳۲	۱۹۴۸	هات فیلد
-۸	-۴	۴	-۱۰	-۱	-۱۱	۰/۶	-۱۰	۱۹۴۹	کمپرون
۲۰	۱	۳	۲۰	-۱	۲۲	۱	۲۳	۱۹۴۸	ویلن
-۰/۳	۱	۱۱	۱۲	-۰/۴	۱	۱۰	۱۲	۱۹۴۹	برانکل
-۱۱	-۵	-۳	-۲۶	۰/۷	-۱۸	-۲	-۲۰	۱۹۴۷	ایکلیف
۶/۴	-۰/۱	۹/۳	۱۵/۶	۰/۸	۸	۸/۵	۱۶/۶	۱۹۴۶	استونچ
-۴/۹	-۰/۷	۶	-۱/۸	-۲/۸	-۴/۸	۲	-۲		میانگین A
-۰/۸	-۰/۵	۶	-۲	۱	-۱۲	۱۲	-۰/۷	۱۹۶۴	رانکن
۱۰	-۲	-۸	-۰/۷	۱	۰/۳	۰/۵	۰/۸	۱۹۴۸	پیترلی
۵	-۵	۴	۴	۴	۰/۸	۸	۸	۱۹۶۱	اسکلمرزدل
۲۰	-۰/۳	-۰/۹	۱۵	۷	۱۹	۷	۲۷	۱۹۷۰	سنترال لانکاشایر
۷	-۲	۰/۳	۴	۳	۲	۷	۹		میانگین B
-۱۰	-۱	-۱۰	-۲۲	۱۶	-۱۱	۴	-۶	۱۹۶۴	واشینگتن
۲۰/۴	-۷/۷	-۹	۹/۷	۱۶/۸	۲۰	۸/۱	۲۸/۱	۱۹۶۸	وارینگتن
-۰/۹	-۵	۵	-۰/۹	۱۸	۴	۱۳	۱۷	۱۹۶۸	تلفورد
۳	-۸	-۹	-۱۲	۱۸	-۷/۶	۴	۴	۱۹۶۷	نیوتن
-۲	-۱۲	۸	-۶	۲۰	۴	۸	۱۳	۱۹۵۰	گربی
۱۱	-۱	-۷	۲	۲۲	۱۱	۱۳	۲۵	۱۹۶۴	رددیچ
۱۷	۱	-۹	۶	۲۳	۲۱	۱۱	۳۲	۱۹۶۸	نورثامتون
۱۲	۲	-۹	۴	۲۴	۱۹	۱۰	۳۰	۱۹۶۷	پیتربور
-۱	۰/۸	-۱۹	-۱۳	۵۰	۱۰	۱۹	۲۹	۱۹۶۷	میلتون کینز
۴/۸	-۲	-۶	-۲/۹	۲۲/۸	۸/۷	۹/۹	۱۸/۶		میانگین C

dN = تغییرات طبیعی نیروی کار
 dE = تغییرات در اشتغال
 dU = تغییر در بیکاری
 YXM = مهاجرت خالص به بیرون

dL = تغییرات داخلی نیروی کار
 dA = تغییرات در نرخ مشارکت
 dS = تغییرات خالص در کمبود شغل
 dC = تغییرات خالص در رفت و آمد به بیرون

نتیجه‌گیری

به طور کلی برنامه‌ریزی شهری مدرن در انگلستان در قرن نوزدهم آغاز شد. در طی این قرن به علت تمرکز جمعیت و صنایع در نواحی شهری، شهرها محل تراکم جمعیت، فقر و جرایم شدند. در چنین شرایطی شهرهای جدید انگلستان به منظور حل مسئله تراکم در نواحی بازار کار به وجود آمدند.

در حقیقت شهرهای جدید به منظور ترکیب مزایای محیط‌های شهری و روستایی و ایجاد محیط مناسب برای زندگی و کار پدید آمدند. به همین دلیل سیاست احداث شهرهای جدید نقش مهمی در برنامه‌ریزی شهری در بریتانیا داشته است.

بعد از جنگ جهانی دوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای در بریتانیا دو هدف اصلی داشته است:

اول کاهش سطح بیکاری در نواحی توسعه نیافته؛

دوم حل مسئله تراکم جمعیت و صنایع در ناحیه لندن؛

گروه اول شهرهای جدید برای جذب جمعیت سر ریز از ناحیه لندن به وجود آمدند، در حالی که شهرهای جدید گروه دوم و سوم به عنوان قطب‌های توسعه و برای تشویق فعالیت‌های اقتصادی در نواحی دچار سطح بیکاری بالا به وجود آمده‌اند.

شهرهای جدید در بریتانیا توسط دولت مرکزی و به منظور تمرکززدایی جمعیت و اشتغال در بریتانیا ایجاد شدند. بدین لحاظ این شهرها اهداف و مشخصه‌هایی داشتند که توسط دولت بریتانیا تعریف شده بود. یکی از مهم‌ترین ویژگی شهرهای جدید خود کفا بودن آنان است. این بدین معنی است که تعداد جمعیت با تعداد مشاغل در شهر هماهنگ است.

نتایج محاسبات بازار کار در شهرهای جدید انگلستان نشان می‌دهد که مهاجرت به این شهرها با ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرهای جدید ارتباط دارد. این نتایج نشان می‌دهد که در طی سال‌های ۸۱-۱۹۷۱ و ۱۹۹۱-۱۹۸۱ در مورد نسل سوم شهرهایی که در دهه‌های اول و دوم توسعه خود قرار دارند ارتباطی قوی بین مهاجرت و اشتغال وجود داشته است. در نتیجه تغییرات قابل ملاحظه در اشتغال (تقاضای نیروی کار) تغییرات مثبت در مهاجرت (عرضه نیروی کار) به این شهرها وجود داشته است.

نتایج این محاسبات نشان می‌دهد که بیشترین تغییرات مثبت کمبود شغل، در شهرهای جدید نسل اول وجود داشته است که در اطراف لندن پدید آمده‌اند. برخلاف آن‌ها، شهرهای نسل دوم و سوم که در دهه‌های اول و دوم توسعه خود هستند با اضافه شغل روبه‌رو بوده‌اند.

به علاوه، نتایج محاسبات بازار کار نشان می‌دهد که اثر ایجاد مشاغل جدید بر روی مهاجرت و تغییرات در نرخ مشارکت نیروی کار در مراحل مختلف توسعه این شهرها، متفاوت بوده است.

در مورد شهرهای جدیدی که در دهه اول توسعه‌شان قرار دارند ایجاد مشاغل جدید ابتدا مهاجرت را افزایش داده و سپس باعث رشد نرخ مشارکت نیروی کار محلی شده است. در حالی که در دهه دوم توسعه‌شان، ایجاد مشاغل جدید ابتدا نرخ مشارکت نیروی کار محلی را افزایش داده سپس سبب افزایش مهاجرت شده است. این بدین معنی است که طی دهه اول، مشاغل عمدتاً توسط مهاجران اشغال شده‌اند اما در دهه دوم توسعه‌شان این مشاغل عمدتاً توسط نیروی کار محلی برداشته شده‌اند.

همچنین این نتایج نشان داد که کاهش در تعداد مشاغل نسبت به افزایش آن، تأثیر مهم‌تری بر روی وضعیت اشتغال و بیکاری دارد. البته در این جا باید از شهرهای جدیدی یاد کرد که تغییرات تقاضای نیروی کار (تغییرات اشتغال) در آن‌ها کم یا منفی بوده است. حرکات جمعیتی (مهاجرت به بیرون، و رفت و آمد به بیرون) کمبود شغل را کاهش داده است.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Osborn F.J., Whittick, a. (1977), *New Towns: their origins achievements and progress*, Leonard Hill, London.
- 2- Golany, G. (1976), *New towns planning: princiles and practice*, John Wiley and Sons, London.
- 3- Aldridge, M. (1979), *The British new towns: A programme without a policy*, Routledge and kegan, London .
- 4- Van de Berg, L., Klaassen, L.H., Rossi, A; Vigvreberg , C., (1982), *Urban Europe. A study of growth and decline*, Pergaman press London
- ۵- مجید غمامی، نگاهی به عملکرد شهرهای جدید در مجموعه شهری تهران، مجله آبادی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، سال هشتم، ۱۳۷۸، ص ۷۶.
- 6- Howard, E. (1951) *Garden Cities of Tomorrow*, Faber and Faber, London.
- 7- Balchin, J. (1980), *First New Town, An Autobiography of the Stevenage Development Corporation Stevenage*.
- 8- Balchin, J. and Bull, G. H., (1978), *Regional and Urban Economics*, Harper & Row, Publishers, London.
- 9- Cullingworth, J.B (1994) *Town and Country Planning in Britain*, Routledge, London.
- 10- Gibberd, F. (1980), *Harlow the story of a New Town*, Publication of Companies, Stevenage.
- 11- Abercrombie, P. (1945), *Greater London Plan*, H. M. S. O, London.
- 12- Cullingworth, J.B (1979), *New Town Policy*, H.M.S.O London.
- 13- Hudson, R. and Johnson, M. (1976) *New Towns in North East England*, University of Durham.
- 14- Self, P. (1972), Introduction, in Evans, H. (ed), *New Towns : The British Experience*, Charles Knight & Co. Ltd. London.
- 15- Ogilvy, A. (1968), <<The Self-contained New Towns: Employment and Population>>, *Town Planning Review*, vol. 39, No 1, PP. 38-54.
- 16- Cresswell, P. and Thomas, R. (1972) *Employment and Population Balance*, in Evans, H. (ed), *New Towns: The British Experience*, Charles Knight & Co. Ltd. London , PP .66-79.
- 17- Golany G.(1976) , *New Towns Planning ; Principles and Practice* , John Wiley and Sons, London.
- ۱۸- برای اطلاع بیشتر رک:
- Tyler, P. and Rhodes, J. (1989) , *A model With which to forecast employment and population change of the regional and sub-regional level*, in Congdon P. and Batey P. (Eds), *Advances in regional demography*, Belhava Press, London, PP. 124- 149.
- 19- Champion, A. G. and Clegg K. (1977), *Facts about the New Towns: A Socio-Econonmic Digest*, Retailing and Planning Associates, Cambridge.
- 20- Tyler, P. and Rhodes, J. (1989) , *A model with which to forecast employment and population change of the regional and sub-regional level*, in Congdon P. and Batey P.(Eds,), *Advances in regional demography*, Belharea Press, London, PP. 124-149.
- 21- Bartik, T. J. (1993) <<Who benefits from local job growth: migrants or the original residents>>, *Regional Studies*, Vol, 27-4 PP. 297-311.
- 22-General Register Office, (1971), *Migration Tables*, HMSO, London.
- 23-General Register Office, (1971), *Workplace Tables*, HMSO, London.
- 24-General Register Office, (1981), *Migration Tables*, HMSO, London.
- 25-General Register Office, (1981), *Workplace Tables*, HMSO, London.